



## فلسفه‌های مضاف در ایران جایگاهی ندارند/ جرایب شکل نگرفتن فلسفه سیاست و اخلاق در کشور

یک استاد گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به اینکه به علت نا آشنایی ما با فلسفه های جدید و شرایط تاریخی ای که داشته ایم فلسفه های مضاف در ایران جایگاهی ندارند گفت: به رغم این موضوع در 40 ، 50 سال اخیر قدمهای ناچیزی در این زمینه برداشته شده است.

یک استاد گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به اینکه به علت نا آشنایی ما با فلسفه های جدید و شرایط تاریخی ای که داشته ایم فلسفه های مضاف در ایران جایگاهی ندارند گفت: به رغم این موضوع در 40 ، 50 سال اخیر قدمهای ناچیزی در این زمینه برداشته شده است.

دکتر منوچهر صانعی دره بیدی در مورد ضرورت پرداختن به فلسفه های مضاف در ایران به خبرنگار مهر گفت: فلسفه کارش شناخت واقعیات است و همچنین تنظیم برنامه ریزی برای زندگی. این تنظیم برنامه برای زندگی هم کار فلسفه های مضاف است مانند فلسفه هنر، فلسفه دین، فلسفه اخلاق، فلسفه سیاست. در فلسفه های محض اصول متافیزیک فلسفه تدوین می شود و بعد در این فلسفه های مضاف سعی می شود این اصول در آنها بنوعی محدود شود و به عمل و به اجرا در آید.

وی افزود: در واقع این فلسفه های مضاف فلسفه های کارکردی و درواقع فلسفه های اجرایی هستند اهمیت آنها در همین است.

استاد گروه فلسفه دانشگاه شهید بهشتی در مورد اینکه از میان فلسفه های مضاف کدام یک برای مطالعه در ایران اولویت دارد هم تصریح کرد: در ایران فلسفه های مضاف سابقه مطالعاتی چندانی ندارند. یکی از مشکلات فلسفه اسلامی همین است که در آن فلسفه های عملی یا حکمت عملی مورد توجه واقع نمی شوند. فلسفه سیاست هم به دلیل وجود نظام های استبدادی که در همان دوران ساسانیان در کشور پایه اش گذاشته شد و بعدا با حمله اعراب و حمله ترکان آسیای میانه این مسائل تکراری پایه اش محکم تر شد در فرهنگ ما شکل نگرفت.

این محقق و پژوهشگر فلسفه یادآورشده: البته فارابی کوشش هایی برای فلسفه سیاست کرد و اقداماتی انجام داد و چیزهایی نوشت اما بقیه مسائلیش را کسی دنبال نکرد مثل فلسفه طبیعت که ابوریحان پایه گذاری کرد و کسی پی اش را نگرفت. راجع فلسفه اخلاق، ما از یک طرف یک نظام فقهی داشتیم از یک سو نظام های تصوف یا عرفان. ایها هر کدام بنوعی مدعی اخلاق بودند این است که فلسفه اخلاق در نوشته های فلسفی ما پا نگرفت. برای نمونه در نوشته های فلسفی ملاصدرا فلسفه اخلاق جایی ندارد علتش هم این است که زمینه اجتماعی فراهم نبود به دلیل گسترش فقه و تصوف که هردو مدعی یک فلسفه عملی بودند اینچنین بود که فلسفه اخلاق در ایران پا نگرفت.

این مدرس دانشگاه افزود: این چنین است که در فرهنگ ما فلسفه های مضاف پا نگرفت. فلسفه تکنولوژی که از بیخ و بن مورد غفلت واقع شد. ما فلسفه تکنولوژی نداشتیم خود ابن سینا که حکمت را تقسیم کرد به حکمت عملی و حکمت نظری، و حکمت تولیدی را که به اصطلاح ارسطو مبنای فلسفه تکنولوژی جدید بود اصلا در تقسیماتش نیاورد. اینها اصلاً مورد توجه اش نبوده است. این چنین است که فلسفه های مضاف در فرهنگ ما جایگاهی ندارند. در این 40،50 سال اخیر به دلیل آشنایی ما با فلسفه های جدید یک بحث های بسیار کوچکی شده است و کسانی به این زمینه ها پرداخته اند در حوزه های اخلاق، سیاست، و هنر، ولی خیلی کم رنگ و ضعیف. البته قدم هایی هرچند ناچیز در این خصوص برداشته شده است.